مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۲۱ ، پاییز ۱۳۹۹جلد۳، ص ۲۱-۱۲
http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۱ / پاییز ۱۳۹۹ / ص ۲۱-۱۲

بررسی مسئولیت ناقلین بیماری های واگیر دار از منظر فقهی و حقوقی

بهنام فرهادی[1]

[1]دانشگاه پیام نور ایلام

نویسنده مسئول:

بهنام فرهادی

چکیده

بیماری های واگیردار در ادوار گوناگون تاریخ بشر ، همواره بزرگترین چالش نظام های سلامت در کشورهای مختلف بوده اند .

بیماری های واگیردار ، گاهی تبدیل به یک همه گیری کشوری شده و گاهی از مرزهای یک کشور عبور کرده و تبدیل به بحرانی جهانی می شوند . (مشابه شرایط کنونی که دنیا دستخوش هجوم ویروس سریع الانتقال کرونا قرار گرفته است .)

در این میان آنچه قابل تأمل است ، نقش افراد مبتلا به بیماری در شیوع گسترده بیماری است و مسئولیت و ضمان ناشی از این امر و اینکه آیا می توان مطابق قواعد فقهی و حقوقی ، عامل انتقال را مسئول جبران خسارت دانست و یا اینکه آیا شرایط اثبات (عمدی بودن و غیر عمدی بودن) عمل انتقال بیماری امکان پذیر است و چه آثاری بر هر یک مترتب می گردد .

به نظر می رسد در راستای قطع زنجیره انتقال ویروس کرونا ، هر فرد بیمار (مبتلا به ویروس) باید علاوه بر احساس مسئولیت اخلاقی و اجتماعی ، در جهت کاهش خطرات ناشی از انتقال بیماری نسبت به تبعات حقوقی و کیفری انتقال بیماری در اثر قصور در عدم رعایت اقدامات احتیاطی آگاه باشد . لذا با توجه به گستره وسیع شیوع بیماری کرونا در سطح جامعه ، باید به نقش افراد مبتلا (به عنوان مهمترین عامل انتقال ویروس) و محدوده مسئولیت این افراد با استمداد از قواعد فقهی و حقوقی پرداخت .

واژگان کلیدی: ویروس کرونا ؛ قاعده لاضرر ؛ مسئولیت بیمار ؛ ضرر محتمل ؛ بیماری واگیردار

مقدمه

فقه پزشکی برای هر رویداد و پدیده ای در حیطه پزشکی که معمولاً جنبه بیرونی دارد ، به تعیین حکم می پردازد و مکلفان وظیفه دارند آنها را به عنوان احکام اجرا نمایند .

از جمله مسائلی که در حیطه پزشکی و سلامت حائز اهمیت ویژه است مبحث بیماری های واگیردار است .

در حال حاضر جهان با ویروس کرونا (covid-19) دست به گریبان است ، که شیوع گسترده این بیماری و میزان کشندگی آن ، سازمان بهداشت جهانی و سیستم های سلامت کشورهای مختلف را دچار سردرگمی و استیصال نموده است . *

بحث انتساب جرم و احراز آن در مورد بیماری های واگیردار از مسائل پیچیده در حقوق است ، زیرا رابطه انتساب و همچنین احراز انتساب سخت است . ولی آنچه از آراء فقها و نظرات فقهی استنباط می شود ، پذیرش اصل انتساب و مسئولیت و ضمان است.

در ادامه به بیان برخی قواعد فقهی که می توانند ، مبنای مسئولیت بیمار مبتلا به بیماری واگیردار را توجیه نمایند پرداخته می شود ؛ از جمله قاعده لا ضرر ، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و همچنین قواعدی که می تواند رافع مسئولیت فرد مبتلا به بیماری واگیردار قرار گیرند همچون قاعده ارشاد و تحذیر.

قاعده لاضرر :

معنای قاعده لا ضرر این است که ؛ در اسلام هیچ ضرر و اضراری وجود ندارد (مشکینی / علی ، اصطلاحات اصول ، صفحه ۲۰۳)

بنابراین هر عبادت یا معامله ای که ضرری در پی داشته باشد ، باطل به حساب می آید و منتفی است . (مصطفوی / کاظم ، پنجاه قاعده فقهی همراه با تطبیق قانونی ، صفحه ۵۲)

دلیل نفی ضرر بر تمام ادله ای که احکام تکلیفی را ثابت می کند حاکم است . دلیل قاعده لاضرر بر سایر ادله حکومت دارد . (موسوی خویی / ابوالقاسم ، مصباح الاصول ، ج ۲ ، صفحه ۵۳۹)

منظور از ضرر ، خصوص ضرر دنیوی است . پس قاعده لاضرر بر همه عمومات حاکم است ، بلکه اگر دلیل خاص بر وجود یک تکلیف ضرری داشته باشیم ، عام بودن قاعده لاضرر بر آن تخصیص میخورد .(انصاری / مرتضی ، مکاسب ، رساله نفی الضرر ، صفحه ۳۷۴)

---

*در سال ۱۹۱۸ موجی از آنفولانزا به نام آنفولانزای اسپانیایی با درصد همه گیری بسیار بالا در جهان شیوع پیدا کرد و بر حسب برخی باورها به مرگبارترین بیماری مسری عصر مدرن تبدیل شد . با دست کم پنجاه میلیون نفر قربانی . و پانصد سال قبل از آن ، مرگ سیاه (طاعون) دنیا را تحت تأثیر شوم خود قرار داد .
*ایران یکی از بالاترین آمار مرگ در اثر آنفولانزای اسپانیایی را داشت به روایتی ۸ درصد تا ۲۲ درصد جمعیت ایران در آن زمان بر اثر این ویروس کشته شدند . (fa.m.wikipedia.org/Spanish flu)

در اینجا مراد از ضرر ، ضرر واقعی است و حکم بر موضوع واقعی ثابت می شود و میان جاهل و عالم فرقی نمیکند .

پشتوانه اصلی قاعده لاضرر ، بنای عقلاء و عدم ردع شارع است . بنای عقلا عامل زیان را مسئول جبران خسارت وارده میداند . (محقق داماد/ سید مصطفی ، قواعد فقه ، اندیشه های نو در علوم اسلامی)

مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی « هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد . »

در ارتباط با موضوع بیماریهای واگیر دار : اگر شخصی ، با علم شخصی یا بر حسب اطلاعات و اخطارهای کارشناسان مربوطه ، احتمال بدهد که حضور او در اجتماع یا در جمعی ، سبب اضرار به دیگران شود ، واجب است مطابق قاعده لاضرر مطلقاً اجتناب نماید . اضرار به غیر مطلقاً حرام است و موجب ضمان و مسئولیت مدنی است . در فرضی که به سلامت جسمی شخصی صدمه ای وارد شود بی آنکه به فوت منجر گردد ، هزینه های پزشکی ، جراحی ، دارویی از جمله زیان های مادی است که متضرر می تواند بابت آنها خسارت دریافت کند و هرگاه صدمات ناشی از بیماری منجر به فوت قربانی گردد ورثه علاوه بر قائم مقامی متوفا ، می توانند به عنوان اصیل به علت خسارات ناشی از فوت مورث اقامه دعوی کنند . (صفایی / حسین ، حبیبی / رحیم ا... ، مسئولیت مدنی ،صفحه ۱۳۸)

حال با توجه به شرایط فعلی که اخطارهای مکرر و محدودیتهای حکومتی (قرنطینه و تعطیلی اصناف و ادارات) و توصیه های سازمان بهداشت جهانی و داخلی از رسانه های گوناگون به گوش می رسد ، چنانچه فردی با عدم رعایت پروتکل های بهداشتی (مجموعه ای از قوانین و رویه ها برای برقراری ارتباط) مربوطه با دیگران تماس حاصل کند ؛ اگر بیمار باشد و ثابت گردد که اقدام عمدی او سبب بیماری دیگران شده است ، در فرض تعمد موجب مسئولیت کیفری می گردد و ضامن کلیه خسارات وارده به زیان دیده خواهد بود و در صورت تلف شدن افراد مرتبط ، ضمان دیه بر عهده او خواهد بود . واگر خودش نیز فوت کند ضمانت شرعی بر عهده او باقی و متعلق ترکه ی او می گردد .

بنابراین مطابق قاعده لاضرر افراد موظف به حفظ حقوق دیگران و عدم اضرار به افراد دیگر جامعه هستند . از همین رو بیمار مبتلا به بیماری مسری در صورتی که سبب انتقال بیماری به اشخاص دیگر شود ، مسئول است و به نظر می رسد بحث احراز تقصیر که به معنی افراط و تفریط است وجود ندارد و تنها انتساب عمل انتقال به مباشر یا سبب کافی است .

آیت ا... مکارم شیرازی رأی شان بر این است که :

« هرگاه ناقل بیماری سبب مرگ دیگری شود ، دیه از اموال او برداشته میشود . »

چنین استنباط می شود که از باب تسبیب و قصور بیمار در رعایت احتیاط های لازم ، می تواند برای بیمار مسئولیت ایجاد کند .

بیمار مبتلا به بیماری واگیردار ، از منظر اتلاف حتی اگر عالم به بیماری خود نباشد و مرتکب تقصیر هم نشده باشد ، مسئولیت تلف و نقص وارده به دیگران است .

در فقه ، بنا بر آنچه از فتاوای فقها بر می آید تقصیر را نباید مبنا و رکن مسئولیت دانست .*۱ بیمار بی اطلاع از ابتلا به بیماری مصون از مسئولیت نیست ، بلکه چنین شخصی نیز در صورت اتلاف حتی بدون انجام هیچ گونه خطایی مکلف به جبران خسارت می باشد . و درحالتی

که مسبب انتقال بیماری باشد در صورت ارتکاب اعمال همراه با قصور مسئول است .*۲ این مطلب با در نظر گرفتن این مهم که بیماری کرونا (covid-19) دارای دوره نهفته است و تحذیر و هشدارهای عمومی مبنی بر عدم حضور در تجمعات و رعایت پروتکل های بهداشتی کلیه افراد جامعه را مورد خطاب قرار می دهد توجیه پذیر است . لذا هر فردی می تواند ناقل بیماری باشد بی آنکه علائمی از بیماری در وی ظهور نماید .

مطابق نظریه خطر برای تحقق مسئولیت وجود یا اثبات تقصیر شرط نیست بلکه اثبات ضرر در رابطه سببیت عرفی بین ضرر و فعل یا ترک فعل شخص برای مسئولیت و مطالبه خسارت کفایت می کند . *۳

در توجیه فلسفی آن میتوان گفت عدالت اقتضاء می کند که خسارت در هر حال جبران و هیچ ضرری بدون جبران نماند . (قاعده لاضرر نیز در مفهوم مفید همین معنی است .)

یکی از اصول مسئولیت مدنی نیز بر همین امر استوار است که هیچ کس نباید در رفتار و کردار خود سبب ایجاد خطر برای دیگری گردد در غیر این صورت مسئول است . (دکتر کاتوزیان)

مطابق ماده ۴۹۲ قانون مدنی جنایت در صورتی که موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد . اعم از اینکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع انجام شود .

به طور کلی برای انتساب جرم و توجه ضمان لازم است رابطه استناد احراز گردد . در واقع فارغ از اینکه انتقال ویروس بیماری واگیردار بالمباشره یا با تسبیب انجام گیرد ، آنچه مهم است انتساب عمل انتقال به سبب یا مباشر می باشد . ولیکن همانطور که پیش تر بیان شد ، احراز رابطه سببیت بر مفهوم خاص و استناد در مفهوم عام آن از مشکل ترین و پیچیده ترین مباحث حقوقی است .

از لحاظ اثباتی و بنا بر قاعده ی « البینه علی المدعی » بار اثبات این رابطه و استناد نتیجه زیان بار به فعل جانی بر عهده مدعی به نحو عام و بر عهده مجنی علیه یا اولیای دم به نحو خاص می باشد.

در این راه کافی است علم عادی ، امکان حصول به علت تلف و خسارات مجنی علیه را فراهم سازد ؛ یعنی چنانچه علت مرگ بر اساس نظرات علمی ناشی از انتقال ویروس بیماری زا باشد انتقال دهنده ضامن است .

ماده ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی صراحتاً وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از آن را مانع تحقق جنایت ندانسته و در مواردی مثل انتقال بیماری مسری کشنده حسب مورد مستوجب قصاص یا دیه می داند .

اکثریت فقها از جمله آیت ا... محمد تقی بهجت) در ارتباط با انتقال بیماری کشنده که در اثر مرور زمان سبب مرگ میشود اذعان می دارند

---

*۱ تقصیری که در تسبیب از آن سخن به میان آمده ، رکن احراز مسئولیت نیست و از بابت احراز رابطه سببیت است.

*۲ مبنای مسئولیت عرفی در باب اتلاف به نظریه خطر ، در باب تسبیب به نظریه تقصیر نزدیک است .

*۳ برخی فقها در مقابل به صراحت اعلام نمو ده اند اصل عدم مسئولیت بدون تقصیر است .

که قتل عمد است .

در مورد بیماری کرونا که بیماری نوعاً کشنده نیست و با توجه به درصد تلفات و نسبی بودن صدمات آن در افراد مختلف ، اگر فردی عمداً ویروس را به دیگری منتقل کند ، به نظر می رسد مشمول قتل عمد نیست و مطابق قانون مجازات باید جنایت شبه عمد تلقی گردد . مگر در مورد افرادی که بیماری زمینه ای دارند (که مطابق اخطارها ، برای این افراد می تواند نوعاً کشنده باشد .) در این صورت در صورت تعمد در انتقال بیماری جنایت عمدی محسوب می شود . (هر چند باید مسأله قصد قتل را نیز ملحوظ داشت .)

به بیان برخی فقها : اگر فردی ویروسی را به عمد و به قصد کشتن به دیگری انتقال دهد ، جنایت عمدی محسوب می گردد .

البته از منظر برخی فقها چون آیت ا... موسوی اردبیلی : فاصله تأثیر گذاری و سرایت هم باید در عمدی بودن یا شبه عمد بودن مورد نظر قرار گیرد و اگر فاصله سرایت کوتاه باشد عمدی محسوب می شود . ولی آنچه بیشتر منصفانه است و از منظر قانون و اکثریت فقها قابل پذیرش

است ، این مهم است که گذشت زمان میان فعل و مرگ مسئولیت کیفری را از بین نمی برد . و تمام رفتارهایی که منجر به انتقال بیماری می شوند ، افعال مجرمانه محسوب میشوند .

از جمله آیت ا... مکارم شیرازی که فرموده اند : در صورتی که جانی میدانسته که این کار غالباً موجب قتل می شود ، حکم قتل عمد را دارد و همچنین در ارتباط با سهل انگاری افراد مبتلا به بیماری واگیر دار و عدم رعایت نکات بهداشتی می فرمایند : در صورتی که این کار باعث ابتلای بیماری خطرناک منتهی به مرگ شود ، هزینه های ایجاد شده و حتی دیه بر فرد منتقل کننده بیماری واجب خواهد بود . و اگر فقط هزینه درمانی سنگینی دارد آن را باید بپردازد .

فروض مطرح شده در مواردی است که فرد آگاه به ابتلا خود به ویروس است و آگاهانه دست به رفتارهای پر خطر میزند . ولی در صورتی که فرد آگاه نباشد که مبتلا شده است (بدون علائم باشد) با توجه به اخطارها و محدودیت ها (عدم شرکت در تجمعات ، استفاده از ماسک و ...) تصور ضمان دور از منطق و انصاف نیست و چنانکه برخی فقها از جمله آیت ا ... محمد تقی بهجت / آیت ا... نوری همدانی و ... انتقال ویروس از فرد بدون علامت و غیر مطلع به دیگران را خطاء محض و برخی دیگر از فقها از جمله آیت ا... مکارم شیرازی و آیت ا... موسوی اردبیلی آن را جنایت شبه عمدی دانسته اند .

نظر آیت ا... محقق داماد در این راستا چنین است که : به رغم استحباب موکد و فضیلت نماز جماعت و عبادت در مساجد مشرف در شرایط فعلی که حسب نظر کارشناسان بهداشت جهانی

احتمال عقلانی سبب ضرر به خود یا اضرار به دیگران است نه تنها مستحب نیست بلکه مورد نهی شارع قرار می گیرد ، یا انجام مسافرت چنانچه با احتمال عقلایی تحمل بیماری یا نقل و شیوع بیماری مواجه باشد حرام است و احکام سفر حرام بر آن مترتب می شود و در فرض اضطرار واقعی اگر هم جایز باشد ولی ضمان و مسئولیت خسارت دیگران در جای خود باقیست . *۱

از باب تحقق مسئولیت مدنی برای بیمار منتقل کننده بیماری واگیر دار در حقوق مدنی تصریح وجود ندارد ، لیکن به طور کلی هر گاه فعل یا ترک فعلی موجب خسارت به دیگری شود و از منظر عرفی نامتعارف باشد ، مسئولیت مدنی قابل تصور است .

لذا مطابق نظریه تقصیر ، صرف قصور بیمار و انتقال بیماری به غیر ، موجب ایجاد مسئولیت مدنی است و چنانچه گفته شد ، تقصیر در اینجا رکن احراز مسئولیت نیست و از باب احراز سببیت است .

قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

یکی از قواعد عقلی است که به موجب آن هر گاه انسان احتمال ضرر در چیزی را بدهد یا عمل را موجب ضرر بداند ، به حکم عقل باید از آن اجتناب کند تا از وقوع ضرر و زیان محتمل ایمن گردد و بر همین اساس چنانچه فردی به این احتمال اعتنا نکند و بر عمل مزبور اقدام نماید و نهایتاً دچار ضرر گردد ، مورد مذمت عقلا واقع می شود . *۲

لذا طبق عقل ، دفع ضرر محتمل واجب است . خواه ضرر مزبور دنیوی باشد یا اخروی ، مادی باشد یا معنوی . مصادیق قاعده می تواند شامل دفع ضرر احتمالی از افراد جامعه باشد یا دفع ضرر احتمالی از خود . بنابراین دفع ضرر از خود عقلاً و شرعاً واجب است . خواه ضرر یقینی باشد خواه به نحو عقلایی احتمالی باشد .

به هر حال عقل و سیره عقلا در مواردی که خوف ضرر به جان افراد وجود دارد و نهایتاً شیوع و گسترش آن در سطح جامعه ، نه تنها ضرری مظنون بلکه ضرر مشکوک را نیز قابل توجه می دانند .

بر مبنای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل ، اگر خوف انتقال بیماری واگیردار و اشاعه و انتشار آن منجر به فساد گردد ، جهت جلوگیری و دفع این ضرر باید افشاء بیماری افراد مبتلا واجب تلقی شود .

مطابق این قاعده ، وظیفه دفع و رفع ضرر محتمل هم از بعد کلان و اجتماعی و هم از بعد فردی قابل تأمل است ؛ مثلاً در بعد کلان و اجتماعی ، حکومت باید در مواجهه با شرایط غیر عادی محدودیتها و حمایتهای لازم را از اقشار مختلف تدارک ببیند و به هر حال حاکمیت باید بتواند در شرایط اضطراری نیز ، روابط مراتب مختلف را تنظیم نماید . همچون روابط مردم و حکومت ، کارگر و کارفرما ، موجر و مستأجر ، تولید کننده و مصرف کننده و ... حال با التفات به احتمال مفسده و ضرر محتمل قابل توجه (در اینجا قرارگرفتن در زنجیره انتقال بیماری) (covid-19) عقل به سبب وجوب دفع ضرر محتمل ، حکم به وجوب ترک رفتارهای پر خطر و ممنوعیت آنها می دهد .

با توجه به احتمال ظن آور به وقوع ضرر یا دفع ضرر محتمل قابل توجه (دچار شدن و انتقال بیماری) اتفاق فقهی بر دفع چنین رفتاری است که در جامعه به قواعد پیشگیرانه و احتیاطی و منع رفتارهای پر خطر مفهوم می یابد .

ضررهای جانی در میان ضررهای محتمل ، مهمترین قلمداد می شود و بین ضررهای جانی ، ضرری که باعث هلاکت می شود بالاترین درجه اهمیت را دارد و در میان ضررهای مهلک ، ضرری که درمان و دارویی ندارد ، مهمترین است .*

فقها و عقل و سیره عقلاء ،در مواردی که خوف ضرر به جان افراد وجود دارد و نهایتاً شیوع و گسترش آن در سطح جامعه ، نه تنها ضرر مظنون بلکه ضرر مشکوک را نیز قابل توجه می دانند.

---

*۱ محقق داماد ، سید مصطفی ، فقه و بیماری های واگیر دار ، خبر گزاری مهر (اسفند ۹۸)

*۲ قاعده وجوب دفع ضرر محتمل ، قاعده ای عقلی است و به همین دلیل معنای وجوب در قاعده ، وجوب ارشادی است .

در این ارتباط نظر امام خمینی (ره) چنین است که : خوف عقلانی (خوفی که خردمندان بدان اعتنا و توجه می کنند) اگر چه در مرتبه موهومات باشد . لیکن اگر متعلق احتمال (محتمل) آسیب جانی باشد از امور مهم است .

قاعده ارشاد (وجوب اعلام عالم به جاهل) :

آنچه از ادله برمی آید ارشاد در صورت جهل به احکام است نه موضوعات مگر اینکه موضوع از امور بسیار مهم باشد . مثل ، خون ، آبرو .. که جهل به موضوع سبب وجوب ارشاد می شود .* (مصطفوی / کاظم ، پنجاه قاعده فقهی همراه با تطبیق قانونی ، صفحه ۸۱)

مطابق قاعده ارشاد عالم موظف است در اموری که متضمن مصلحت یا مفسده ای باشد جاهل را ارشاد نماید . لذا ، قاعده فقهی ارشاد در ارتباط با تکلیف بیمار مبتلا به بیماری واگیردار مصداق می یا بد . و قابل تصور است که قربانی بیماری واگیر دار نیز بتواند ، به جهت تخلف در مسئولیت اعلام فرد عالم به ابتلاء خود به بیماری واگیردار (ناقل) برای مطالبه ضرر و زیان وارده دعوی مطرح نماید . پس میتوان بیان داشت که اهمال در تکلیف افشاء و اعلام بیماری از مصادیق تقصیر محقق شده و بیماری که به دلیل عدم انجام این امر ، سبب انتقال بیماری به غیر گردد از باب تسبیب مسئول است .

از این روی ، اگر خوف انتقال بیماری واگیردار و اشاعه آن وجود داشته باشد باید افشای آنرا واجب تلقی کرد . (خویی / ابوالقاسم ، صراط النجاه ، ج ۱ ، صفحه ۵۴۸)

قاعده تحذیر (هشدار) :

این قاعده با کارکرد بسیار و پیشگیرانه ی آن ، قلمرو گسترده دارد و به طور کلی در هر موقعیت، زمانی و مکانی که زمینه یا احتمال خطر و تهدید به سلامتی جان یا مال انسان در آن باشد کاربرد دارد .

بنای عقلا و حکم عرف ، مهمترین و اصلی ترین مبنا و ملاک برای اثبات قاعده تحذیر است . لذا ، عرفاً کلیه افراد جامعه به طور عام ملزم به رعایت قاعده تحذیر یا هشدار در اعمال و اقدامات زیان آور و خطرناک هستند .

در مورد خاص بیماریهای واگیردار در صورتی که شخص بیمار به وظیفه خود مبنی بر تحذیر و هشدار عمل نماید و فرد دیگر را آگاه نماید اما فرد (بالغ و عاقل و رشید) هیچ توجهی به هشدار شخص اخطار دهنده نکند و خود را در معرض خطر (در اینجا ابتلا به بیماری) قرار دهد ، (اقدام بر ضرر و ضمان) ؛ چون فرد مزبور با علم و اراده علیه خود اقدام نموده است مسئولیتی برای طرف دیگر نمی توان قائل شد .

شاید بتوان از همین ملاک است در مواردی که افراد بدون توجه به تحذیرها و هشدارهای عمومی و گسترده در مورد بیماری و سرایت بیماری ، دعوت به تجمع و یا مجلسی را اجابت می کنند و در آنجا مبتلا به بیماری واگیردار می شوند ، استفاده نمود .

---

* مصادیق دفع ضرر محتمل ، مطابق نظرات اکثر فقها – ضررهای جانی ، عرضی و گاهاً مالی می باشند .

* وظیفه ارشاد به احکام و امور حکمی اختصاص ندارد ، بلکه موضوعات را نیز شامل می شود .

زیرا فرد با تصمیم خود به عنوان فردی عاقل و بالغ علیرغم هشدراها علیه خود (مالی و جانی) اقدام نموده و در این حالت فرض مسئولیت برای میزبان کم رنگ می گردد .

به عبارتی مطابق قاعده تحذیر کسی که علم به خطر (رفتار پر خطر) دارد در صورت عدم هشدار و اطلاع رسانی به دیگران مسئول است و اگر هشدار بدهد فردی که مخاطب هشدار قرار گیرد و به آن وقعی نمی نهد ، خود مسئول عواقب این بی توجهی خواهد بود .

نتیجه گیری :

در میان قواعدی که بیانگر احکام ضمانات است ، (برگرفته از منابع نقلی و بسیاری از آنها مستند به احکام مسلمه عقلیه می باشند .) پیام نهایی عبارت است از حرمت نهادن به حیات آدمی اعم از خود و دیگران و همچنین احترام به کرامت و آسایش دیگران . حال اگر اضرار به دیگری یا خود را منکر بدانیم « بیماری و شیوع آن را مصداق ضرر » مطابق متون فقهی رفع منکر واجب دانسته شده است . لذا دفع آن نیز همین حکم را می پذیرد .

مطابق تعریف تقصیر که اعم است از تعدی و تفریط و عبارت است از انجام دادن عملی که شخص نباید مرتکب شود (تعدی) یا ترک عملی که شخص باید انجام دهد (تفریط) . (صفایی / حسین ، رحیمی / حبیب ا... ، مسئولیت مدنی صفحه ۱۵۳)

می توان نتیجه گرفت که با توجه به شرایط خاص فعلی (از جهت شیوع بیماری) و تعیین باید ها و نبایدهای مرتبط با پیشگیری از گسترش بیماری ، احراز تقصیر در موارد رفتارهای غیر محتاطانه دور از تصور نیست .

حال با التفات به دامنه و سرعت شیوع و شدت شیوع ویروس کرونا و توجه به این نکته که تا کنون هیچ درمان قطعی برای این بیماری وجود ندارد و نظرات اکثر مراجع ، مبنی بر پذیرش امکان حدوث قتل عمدی در موارد تعمد و قصد مستقیم در انتقال عامل بیماری زا و شرایط بحرانی فعلی از جهت شیوع گسترده بیماری مصلحت ایجاب می کند برای حفظ سلامت جامعه و جلوگیری از گسترش بیماری ، آزادی های فردی ، اصل اباحه و مستحبات و حتی بعضی از واجبات به حالت تعلیق درآیند . علاوه بر این شاید لازم باشد حقوق بیماران ، از جمله حفظ اسرار پزشکی ، قربانی سلامت جامعه شوند .

آنچه از آراء و نظرات حقوقی و فقهی استنباط می شود ، این است که چنانچه فردی عالماً و عامداً فرد دیگری را مبتلا به بیماری خطرناک نماید ، جنایت عمدی محسوب می شود و در صورت عدم تعمد ممکن است جنایت شبه عمدی محسوب شود و در هر حال فرد ناقل مسئول است .

لذا ، جرم انگاری رفتارهای پر خطر و غیر محتاطانه که به شیوع بیماری دامن می زند ، می تواند در شرایط فعلی سازگار افتد ؛ از جمله تصویب قوانین خاص در این ارتباط و قرار دادن ضمانت اجرا برای رفتارهای غیر مسئولانه همچون : عدم استفاده از ماسک در مکان های عمومی یا برگزاری تجمعات غیر ضروری و ...

نهایتاً ، با التفات به شدت شیوع ویروس کرونا و توجه به این نکته که تا کنون هیچ درمان قطعی برای این بیماری وجود ندارد ، طبق قواعد و اصول فقهی ، از جمله قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و قاعده لاضرر و سایر قواعدی که در این مختصر به آنها اشاره گردید و بر حکم عقل سلیم ، آنجا که بیماری قابل انتقال می تواند سبب ایجاد ضرر جانی شود باید ظن ضعیف نیز موجب دفع و منع رفتارهای پر خطر گردد و رعایت محدودیتهای تعیین شده و رعایت پروتکل های بهداشتی در ارتباط با عدم حضور در اجتماعات و حفظ فاصله گذاری اجتماعی ، وظیفه همه افراد جامعه می باشد و عدم رعایت این موارد می تواند موجب ضرر و ضمان برای فرد متخلف گردد.

منابع :

- مصطفوی / سید کاظم ، قواعد فقه (۲) ، چاپ دوم ، نشر میزان ، ۱۳۹۳
- محقق داماد / سید مصطفی ، فقه پزشکی ، تهران حقوقی ، ۱۳۸۹
- کاتوزیان / ناصر ، مسئولیت مدنی ، الزامات خارج از قرارداد ، چاپ ۱۱ ، دانشگاه تهران ، ۱۳۹۱
- صفایی / سید حسین ، رحیمی / حبیب ا... ، مسئولیت مدنی ، الزامات خارج از قرارداد ، چاپ دوم ، انتشارات سمت ، ۱۳۹۰
- آقایی نیا / حسین ، حقوق کیفری اختصاصی ، جرائم علیه اشخاص (جنایات) ، نشر میزان ، ۱۳۹۲
- مشکینی / علی ، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها ، نشر هادی ، ۱۳۷۱
- پاسخ مراجع تقلید به احکام شرعی بیماران مبتلا به کرونا ، وب سایت :Igtihadnet.ir
- مرور احکام و فتاوای مراجع عظام تقلید درباره ویروس کرونا ، وب سایت : Emrooznews.com